

تحلیل بازنمایی زن در گفتمان اعتدال: تحلیل گفتمانی سخنرانی‌های حسن روحانی

آرمان حیدری*

حکیمه ملک احمدی**

چکیده

در ایران، در دهه‌های اخیر، گفتمان‌های اصلاح‌طلبی، اصول‌گرایی و اعتدال هر یک به گونه‌ای به "بازنمایی" زنان پرداخته، هویت‌هایی را به آنان منتسب نموده و سیاست‌گذاری‌های مربوطه شان را بر آن اساس بنا نهاده‌اند. گفتمان اعتدال‌طلب روحانی به عنوان جدیدترین و ناشناخته‌ترین گفتمان در این عرصه کمتر مورد واکاوی علمی قرار گرفته است. هدف پژوهش حاضر تحلیل گفتمان سخنرانی‌های روحانی، نماینده رسمی دولت اعتدال، به منظور شناسایی و معرفی ویژگی‌های منتسب به زنان در این گفتمان است. رویکرد راهنما در تحقیق، رویکرد لاکلا و موفه بوده است. بر اساس تحلیل مضامین سخنرانی‌ها می‌توان گفت، «برابری جنسیتی» دال مرکزی این گفتمان بوده؛ «عفاف محوری»، «هم‌ارزی فضای عمومی و خصوصی»، «نقش‌های اجتماعی فراستنی»، «بازخوانی اسلامی - انقلابی از جنسیت» و «نگاه غیر امنیتی به حضور زنان» برهه‌هایی هستند که زنجیروار حول دال مرکزی بالا برای تثبیت موقتی معنای هویت و جایگاه اجتماعی زنان مفصل‌بندی شده‌اند. همچنین به نظر می‌رسد گفتمان اعتدال، بیشتر «اجتماعی - اقتصادی» است تا سیاسی (اصلاح طلبی) یا فرهنگی (بنیادگرایی)؛ اما

* استادیار جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه یاسوج (نویسنده مسئول)،

alheidari2011@yu.ac.ir

** دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج، گروه علوم اجتماعی، Hakime_malekahmadi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۳

مجموعه دال‌های مورد تأکید آن با گفتمان اصلاح طلبی قرابت و سنخیت بیشتری دارد تا گفتمان اصول‌گرایی.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان، روحانی، زنان

۱. مقدمه

مطالعه تاریخ ایران نشان می‌دهد زنان تقریباً در تمام عرصه‌های زندگی خود دچار تنزل موقعیت و وادار به پذیرش وضعیت فرو دست خود شده‌اند. در چنین ساختار سیاسی استبدادی، ارباب رعیتی و پدر سالارانه‌ای، زنان نه تنها از فعالیت فراوان و گوناگون محروم بودند، بلکه دور از تمام آگاهی‌ها در خانه به سر می‌بردند (ناهید، ۱۳۳۸: ۱۸). با مدرنیزاسون، افزایش سواد، ورود گسترده زنان به آموزش و بازار کار، گسترش رسانه‌ها و «جهانی شدن»، مسئله تبعیض علیه زنان مطرح، و تلاش‌هایی در جهت تغییر نگرش در مباحث اجتماعی موجود و برابری در جامعه به وجود آمد که در نتیجه آن، مفهوم «جنسیت» جایگزین مفهوم «زن» شد (شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ۹۸). اهمیت این جایگزینی این است که جنسیت (Gender) در تقابل با جنس (sex) به مثابه امری بیولوژیکی و مبتنی بر تفاوت‌های طبیعی مردان و زنان؛ مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی تبعیض‌آمیز و نوعی نظام بازنمایی در چارچوب گفتمان پدرسالاری است. به عبارتی، ریشه تمام نابرابری‌ها در خصوص زنان، در کارکردها و گفتمان‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جنسیت (مهدی‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۴۵-۱۴۴) جستجو می‌شود. به تعبیری، مردانگی و زنانگی کیفیت‌های ذاتی سوژه‌های تجسم یافته نیستند، بلکه باید آنها را به مثابه موضوعات بازنمایی درک کرد. بازنمایی که ویژگی آن در گفتمان‌های متفاوت تنوع می‌پذیرد.

از منظر گفتمانی، سوژه خودآیین نیست، بلکه گفتمان آن را تعیین می‌کند. به عبارتی گفتمان‌های مختلف موقعیت‌های متفاوتی به سوژه نسبت می‌دهند. همچنین روابط حقیقی-ای وجود ندارد که اقتصاد تعیین‌کننده آن باشد. بلکه آدمیان از سوی گفتمان‌ها فراخوانده و سوژه‌ها به منزله "موقعیت‌های سوژه" درون یک ساختار گفتمانی محسوب می‌شوند. گفتمان‌ها همواره موقعیت‌هایی را برای افراد تعیین می‌کنند تا آنها را به منزله سوژه اشغال کنند. متناسب با این موقعیت‌ها انتظارات خاصی راجع به آن چه انجام می‌دهیم، آن چه می‌گوییم و آن چه نمی‌گوییم وجود دارد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۸۰-۷۹). بنابراین، سوژه

"زن" بسته به اینکه در چه حوزه گفتمانی قرار گیرد، معانی و هویت‌های متفاوتی اتخاذ می‌کند که به نوع خاص گفتمانی بستگی دارد که به آن معنا و هستی بخشیده است.

در نظم گفتمانی مربوط به زن و هویت زنانه، فضای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی ایران به طور کلی، عرصه تقابل دو دیدگاه یا گفتمان اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی بوده است. هر یک از این گفتمان‌ها با برجسته کردن "عناصر"ی خاص سعی در تثبیت معنای مورد نظر خود در این حوزه دارد و البته با "تخاصم" و "چالش" جدی هواداران سیاست خرده گفتمان رقیب مواجه می‌شود. "اسلامیت" و مفاهیم وابسته به آن به عنوان دال مرکزی گروه‌های اسلامی بنیادگرا و سنت‌گرا؛ در مقابل "جمهوریت"، به عنوان دال مرکزی گفتمان تجددگرایی و مفاهیم وابسته به آن خود را در حوزه سیاست و هویت جنسیتی به صورت برجسته‌ای نشان می‌دهد (صفری شالی، ۱۳۹۴). گفتمان اصول‌گرایی با توسل به مفاهیم خانوده، اخلاق، هویت دینی، بومی و دوری جستن از ارزش‌های غربی و فمینیستی؛ و گفتمان اصلاح‌طلبی با استفاده از مفاهیم آزادی، عدالت، نواندیشی دینی، نقش مستقل زن، و برابری اجتماعی، به طرقی متفاوت و خاص، در صدد تثبیت معنای واژه «زن» بوده‌اند. هر چند در دوره‌های مختلف افراد متفاوتی نماینده این دو گفتمان محسوب می‌شده‌اند، اما به طور خاص، در دو دوره قبل از ریاست جمهوری حسن روحانی، سید محمد خاتمی را می‌توان نماینده گفتمان اصلاح‌طلب و محمود احمدی‌نژاد را نماینده گفتمان اصول‌گرا دانست. به نظر می‌رسد چالش و تخصص‌اساسی در این حوزه، به چگونگی مفصل‌بندی دو دال مرکزی "اسلامیت" و "جمهوریت" گفتمان جمهوری اسلامی باشد. زیرا عنصر زن با روح، وظایف و تکالیف خاصی پیوند خورده است که ناشی از دال‌های مرکزی "اسلامیت" و "جمهوریت" هستند. گفتمان غالب و هژمونیک جمهوری اسلامی با سپری شدن سال‌ها، به تبع روی کار آمدن دولت‌های مختلف، خرده گفتمان‌هایی چون گفتمان سازندگی، گفتمان اصلاحات، گفتمان عدالت محور [و اخیراً گفتمان اعتدال] را در خود زایش نمود که با حفظ اصول و ارتباط لاینقطع با گفتمان مادر، معرف رویکردی نوین به اصول و مسیر تعریف شده گفتمان مذکور بودند (صفری شالی، ۱۳۹۴). در واقع سیاست‌های حاکم بر نظم گفتمانی زنان، تابع و تحت تأثیر اصول و آموزه‌های گفتمان کلی‌تر دولت مستقر بوده است. بدین ترتیب می‌توان گفت خرده گفتمان دولت‌های "سازندگی"، "اصلاحات"، "عدالت" و "اعتدال" در سپهر سیاسی ایران، هر یک سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های خاص خود را در حوزه نظم گفتاری زنان داشته‌اند (صادقی فسایی ۱۳۹۵ و همکاران و

صفری شالی، ۱۳۹۴) برای مثال در سه دوره متفاوت سازندگی، اصلاحات و عدالت و مهرورزی، نهادهای اجرایی کشور سه نگاه متفاوت به زنان داشته‌اند (صادقی فسایی و همکاران ۱۳۹۵).

سیطره هیچ گفتمانی در جامعه دائمی نبوده و هژمونی هر گفتمانی در جامعه به صورت موقت است، زیرا همواره گفتمان‌های دیگری روی کار می‌آیند و هویت‌شان با توجه به غیر و دشمن معلوم می‌شود. در خردادماه سال ۱۳۹۲، گفتمان "اعتدال" توانست با ساختارشکنی گفتمان "عدالت‌گرایی" هژمونی و تسلط بر امور را به نفع خود در اختیار بگیرد. نتیجه انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری، ظهور مفاهیم و دال‌های گفتمانی جدیدی در تاریخ گفتمان انقلاب اسلامی و در نظم گفتمانی حوزه زنان بوده است. مفاهیمی مثل آزادی، آزادی بیان، قانون‌گرایی، حقوق شهروندی، حفظ و ارتقای کرامت و منزلت زنان که در حوزه گفتمان اصلاحات قرار داشت و این مفاهیم که از عرصه سیاست ایران در انتخابات ۸۴ "طرد" شده بودند، دوباره به گفتمان اعتدال روحانی که منشعب از گفتمان سازندگی ایران است، وارد می‌گردند (گمشاد، ۱۳۹۴) از ویژگی‌های مهم گفتمان عدالت‌گرایی، "اسلام‌گرایی سیاسی رادیکال، تأکید بر اندیشه‌های محافظه‌کاری سستی ایرانی، رویارویی با نظام جهانی، مردم‌گرایی همراه با نگرش پدرسالارانه سستی [۱۹]؛ توده-گرایی وظیفه‌محورانه" (صادقی فسایی و همکاران ۱۳۹۵) و "تأکید بر خانواده و جایگاه همسری و مادری و حضور زنان در خانواده" (صفری شالی، ۱۳۹۴) بوده است. حسن روحانی توانست با ساختارشکنی گفتمان عدالت‌گرایی و طرح آموزه «اعتدال» وارد رقابت و برنده انتخابات ریاست جمهوری یازدهم شود و امروزه نماینده رسمی گفتمان اعتدال‌گرایی محسوب می‌شود که قطعاً حوزه گفتمان‌گویی خاص خودش را از این دال «شناور» ارائه می‌دهد. حوزه ای که کمتر مورد مطالعه و تحلیل علمی قرار گرفته است.

همانطور که گفته شد هیچ گفتمانی نمی‌تواند سلطه مداوم و بدون منازعه‌ای در مفصل‌بندی عناصر خاص در حوزه‌های گفتمانی مربوط داشته باشد. در ایران در حوزه گفتمانی زنان، نیز عنصر و دال "زن و هویت زنانه" یکی از مهمترین عناصر و دال‌های سیال سامان دهنده بحث‌های اجتماعی و سیاسی بوده که به گونه‌های متفاوتی مفصل‌بندی شده و منشأ تخصص‌های سیاسی و اجتماعی گوناگونی بوده است. از مهمترین عرصه‌های بروز و نمود چنین خصومت‌هایی می‌توان به مسائل مربوط به "پوشش و حجاب زنان و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر"، "ورود یا عدم ورود زنان به قلمروهای ورزشی"،

"برگزاری یا عدم برگزاری کنسرت‌های موسیقی"، "جدایی و دیوار کشی بین زنان و مردان در کلاس‌ها یا دیگر فضاهای عمومی"، "اولویت نقش‌های همسری/مادری یا حرفه‌ای"، "قدم برنامه ریزی جهت حضور پررنگ زنان در عرصه خصوصی (خانواده) یا مشارکت فعال و همه جانبه آنان در قلمروهای عمومی (آموزش، مشارکت سیاسی، اجتماعی و ...)".... بوده است. بنابراین می‌توان گفت یکی از مهمترین چالش‌های سیاست‌گذاری و توسعه در ایران امروز به نوع نگاه به زنان و سیاست‌گذاری‌های مربوط به آنان مربوط می‌شود که مقدم از هر جایی در نوع گفتمان حاکم بر دولت مستقر تعیین و تثبیت می‌شود. علاوه بر اهمیت بررسی چالش‌های گفتمانی که نهایتاً به سطح "پرکتیس‌های اجتماعی" در سطح بازار و زندگی روزانه کشیده می‌شود، روند توسعه و ارزیابی آن بدون در نظر گرفتن جایگاه زنان و مسائل آنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه، امکان‌ناپذیر و نامفهوم یا حداقل ناقص است. می‌توان گفت یکی از مهمترین نواقص برنامه‌های توسعه‌ای ایران به حوزه نابرابری‌های جنسیتی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و آموزشی مربوط می‌شود که تا حد زیادی روند آن متأثر از سیاست‌گذاری‌های دولت‌ها در دوره‌های مختلف بوده است (صفری شالی، ۱۳۹۴). در این راستا می‌توان دو نوع نظام برنامه‌ریزی مبتنی بر "رهیافت بی‌طرفی جنسیتی و رهیافت از نظر جنسیتی حساس" (شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ۶۵-۶۴) را در برنامه‌ریزی‌های کلان جامعه از هم تفکیک کرد. اگر بپذیریم که "فرایندهای سیاسی بیش‌ترین اهمیت را دارند: سیاست اولویت دارد" می‌توان گفت تحلیل گفتمان هر دولتی یکی از مهمترین راهکارهای شناخت مزایا و محدودیت‌های سیاست‌گذاری و ارزیابی برنامه‌های دولت‌ها است. چرا که گفتمان و نوع نگاه هر دولتی به مسائل مربوط به زنان، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های آنها در این حوزه را هدایت متأثر می‌سازد.

این پژوهش با بررسی سخنرانی‌های روحانی در صدد است تا چگونگی مفصل‌بندی وی از عنصر "زن" را با کمک روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه تحلیل و بررسی نماید. تحلیل گفتمان از اینرو اهمیت دارد که گفتمان‌ها با بازنمایی واقعیت به شکلی خاص، سوژه‌ها و ابژه‌ها را به نحو خاصی می‌سازند، مرزهایی مابین حقیقت و خطا ترسیم می‌کنند، و گونه‌های خاصی از کنش‌ها را مربوط و معنادار و سایرین را نامربوط و خارج از موضوع قرار می‌دهند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۳۵). مهمتر اینکه دستگاه اجرایی کشور، به ویژه دولت‌ها، به دلیل توسعه قدرت خویش از خلال گفتمان‌هایشان، جهان تحت نظارت خود

را هدایت می‌کنند، از این رو واکاوی گفتمان دستگاه اجرایی کشور در حوزه زنان، نشان دهنده تمایلات، نوع نگرش و به معنای کلان، ایدئولوژی آنها در مواجهه با این مؤلفه هویت بشری است (صادقی فسایی و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین سوالات محوری مقاله عبارتند از: نظام معنایی گفتمان روحانی پیرامون مسائل زنان به چه شکلی مفصل‌بندی گردیده است؟ زن و هویت زنانه در گفتمان سیاسی اعتدال‌طلب چگونه بازنمایی شده است؟ عنصر "زن" در پرتوی چه عناصر و مؤلفه‌های گفتمانی مفصل‌بندی شده است؟ گره‌گاه و مهمترین دال سامان دهنده این عناصر مختلف چیست؟ این گفتمان در حوزه نظم گفتمانی زنان چه سمت و سوی فکری-اجتماعی دارد؟

۲. پیشینه تحقیق

در خصوص تحلیل گفتمان پیرامون زنان پژوهش‌های مختلفی انجام شده، که به نمونه‌هایی از موارد مربوطه اشاره می‌شود.

نتایج پژوهش کرمی قهی (۱۳۹۱) با تحلیل مسائل زنان و خانواده در گفتمان برنامه‌های توسعه سوم، چهارم (اصلاح طلبی) و پنجم (اصولگرا) نشان داد که تأکید گفتمان اصلاح طلب بر نشانه‌های «اصلاحات»، «توسعه‌سیاسی» و «جامعه‌مدنی»؛ در مقابل، تأکید گفتمان اصولگرا بر نشانه‌هایی چون «قانون اساسی»، «توسعه اقتصادی»، «عدالت»، «ارزش‌های دینی و اخلاقی» و «استقلال» است. باستانی و همکاران (۱۳۹۲) با تحلیل خرده گفتمان‌های زنان در دوره مشروطیت پی بردند خرده گفتمان رادیکال به دنبال ایجاد تغییرات بنیادی است؛ درحالی که در خرده گفتمان میانه‌رو خواست‌های قابل دسترس‌تر دنبال می‌شود.

نتایج پژوهش صفری شالی (۱۳۹۴) در خصوص ارزیابی "تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در لوايح و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران"، حاکی از آن بود که در برنامه‌های اول و دوم توسعه، توجه کمی به موضوع عدالت جنسیتی و مسائل پیرامون زنان شده است. با این وجود دال‌های اصلی پیرامون "کنترل موالید و جمعیت"، "افزایش سطح سواد عمومی زنان"، "ارتقای سلامت زنان" و "اوقات فراغت و تربیت بدنی زنان" شکل گرفت. در گفتمان اصلاحات (برنامه‌های سوم و چهارم توسعه)، مقوله زنان و عدالت جنسیتی به صورت پررنگ‌تر مطرح شد. حتی در برنامه چهارم توسعه "بی تفاوتی جنسیتی" برنامه سوم به سمت حساسیت جنسیتی و سیاست

تبعیضی مثبت حرکت کرد. در برنامه پنجم توسعه و در گفتمان اصولگرایی عدالت محور، با تأکید بر نهاد خانواده و نقش مهم و اثر گذار زنان در خانواده، برای زن عمدتاً جایگاه همسری و مادری و حضور زنان در خانواده مورد تأکید بوده است. به عبارتی دال اصلی، دال تحکیم خانواده بوده است. تحقیق ایمانی و همکاران (۱۳۹۴) پیرامون «زن در ضرب المثل‌های فارسی: رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی» نشان داد مناسبات قدرت در گفتمان ضرب المثل‌های زنان موثر است و توزیع قدرت نه تنها میان زن و مرد، بلکه میان زنان نیز بر اساس نقش و جایگاه اجتماعی‌شان به صورت نابرابر توزیع شده است.

فرقانی و عبدی (۱۳۹۵) با تحلیل گفتمان انتقادی جوک‌های جنسیتی در مورد زنان در شبکه‌های موبایلی می‌گویند این جوک‌ها فاقد هر گونه سویه‌های سیاسی بوده و در مقابل بسیار ایدئولوژیک هستند و توسط مردم تولید، مصرف و بازنشر می‌شوند. محتوای این جوک‌ها نیز از درون فرهنگ عامه بر می‌آید یا دست کم از آن متأثر است. تحقیق صادقی فسایی و دیگران (۱۳۹۵) پیرامون "تحلیل گفتمان سه دوره اجرایی جمهوری اسلامی ایران در زمینه وضعیت اجتماعی زنان" نشان می‌دهد که گفتمان دوره سازندگی توسعه‌گرای نظارت محور بوده و رویکردی نظارتی و مصرف محور به زنان داشته است؛ گفتمان دوره اصلاحات، لیبرال گرای مشارکت محور بوده و سعی در مشارکت اجتماعی زنان داشته؛ نهایتاً در دوره عدالت و مهر ورزی، گفتمان توده‌گرای وظیفه محور حاکم بوده که از یک سو خواهان مشارکت اجتماعی زنان را در حضور توده وار اجتماعی تأویل می‌کند و از سوی دیگر با اتخاذ رویکردی مرتجع، مکرراً وظایفی مانند مادری و همسری زنان را بازتولید می‌کند.

با مرور پیشینه تحقیق می‌توان گفت برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های جنسیتی در هر دوره متأثر از نوع نگاه و گفتمان دولت مستقر بوده است؛ بیشترین چالش و تخاصم گفتمانی بین برجستگی دو عنصر حضور پر رنگ زنان در قلمروی عمومی و قلمروی خصوصی خانواده بوده است. همچنین درباره گفتمان «اعتدال گرایی»، به ویژه بازنمایی مسائل زنان در نظم گفتمانی اعتدال گرایی، پژوهش خاصی انجام نشده است.

۳. چارچوب مفهومی

نظریه‌ی گفتمان ارنستو لاکلا و شانتال موفه از همه امور اجتماعی برداشتی گفتمانی ارائه می‌دهد؛ و امور اجتماعی به مثابه‌ی ساخت‌های گفتمانی قابل فهم‌اند. به عبارتی همه‌ی

پدیده‌های اجتماعی با ابزارهای تحلیل گفتمانی قابل تحلیل و بررسی‌اند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۷۰). ایده کلی آنها این است که معانی هیچ‌گاه نمی‌توانند برای همیشه تثبیت شوند و این امر راه را برای کشمکش‌های همیشگی اجتماعی بر سر تعاریف جامعه و هویت باز می‌گذارد که خود تأثیرات اجتماعی به همراه دارد. وظیفه تحلیل‌گران گفتمان نشان دادن جریان این کشمکش‌ها بر سر تثبیت معنا در تمامی سطوح امر اجتماعی است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۵۴-۵۳). آنها نظریه خود را با استفاده از سنت مارکسیستی و به خصوص اندیشه گرامشی و ساختارگرایی آلتوسر و پساساختارگرایی دریدا و فوکو، اولین بار در کتاب «هژمونی و راهبرد سوسیالیستی» در سال ۱۹۸۵ بسط دادند (حسینی زاده، ۱۳۸۳: ۱۱).

مفاهیم اساسی نظریه‌ی آنها «دال و مدلول»، «اصل اختیاری بودن نشانه‌ها»، «مفهوم گفتمان»، «مفصل‌بندی»، «دال مرکزی»، «دال شناور»، «ضدیت‌ها یا غیرت‌سازی»، «هژمونی» و «ساختار شکنی» است که در ادامه به اختصار به آنها پرداخته می‌شود. دو مفهوم «دال و مدلول» در نظریه لاکلاو و موفه نقش کلیدی دارد. دال‌ها، اشخاص، مفاهیم و نهادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معانی خاص دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌نماید، مدلول نامیده می‌شود (کسرای و شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۳).

اصل «اختیاری بودن نشانه‌ها» بر گرفته از سوسور، بیان می‌کند که یک نشانه‌ی زبانی ترکیبی از دال و مدلول بوده که رابطه میان آنها کاملاً اختیاری است. به تعبیری، نظام زبانی واقعیت را مفصل‌بندی می‌کند (اسمیت ۱۹۹۸ به نقل از بخشایش اردستانی، ۱۳۸۸: ۵۹). «گفتمان» نیز حوزه‌ای است که مجموعه‌ای از نشانه‌ها در آن به صورت شبکه‌ای در می‌آیند و معنایشان در آنجا تثبیت می‌شود (سلطانی، ۱۳۸۷: ۷۶). مفهوم‌سازی لاکلاو و موفه از گفتمان، ویژگی رابطه‌ای هویت را تأیید می‌کند. معنای اجتماعی کلمات، کلام‌ها، کنش‌ها و نهادها همگی در ارتباط با زمینه کلی‌ای که جزئی از آن هستند درک می‌شوند (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۲۰۲). مفصل‌بندی، نیز، فرآیندی است که به واسطه‌ی آن، نشانه‌ها با هم جوش می‌خورند (Laclau and M, 1985:109). مفصل‌بندی به گردآوری عناصر و ترکیب آنها در هویتی نو می‌پردازد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۶۷). معنای نشانه‌ها درون یک گفتمان حول یک نقطه‌ی مرکزی به طور موقت تثبیت می‌شود. به شخص، نماد یا مفهومی که سایر دال‌ها حول محور آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند «دال مرکزی» می‌گویند. نشانه‌ها و مفاهیم در

این نظریه «دال شناور» هستند که گفتمان‌های مختلف می‌کوشند به آنها معنا دهند. «دال شناور» یا سیال، دالی است که مدلول آن شناور و غیرثابت است. مبارزه بر سر خلق معنا همواره نقشی اساسی دارد، نزاع و تقابلی که بر کل جامعه سایه می‌افکند و نیروی پیش راننده‌ی آن است (سلطانی، ۱۳۸۷: ۹۴). ایجاد و تجربه‌ی ضدیت‌های اجتماعی از سه جنبه، امری محوری برای نظریه گفتمان هستند. نخست، ایجاد یک رابطه خصمانه که اغلب منجر به تولید یک دشمن یا دیگری (Other) می‌شود، برای ترسیم مرزهای سیاسی امری حیاتی است. دوم، شکل‌گیری رابطه خصمانه و تثبیت مرزهای سیاسی، امری محوری برای تثبیت بخشی از هویت صورت‌بندی‌های گفتمانی و کارگزاران اجتماعی است. سوم، تجربه ضدیت نمونه‌ای است که حدودی بودن هویت را نشان می‌دهد (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۲۰۵).

«هژمونی» یک گفتمان مبتنی بر انسجام معنایی دال‌های دیگر حول دال مرکزی است. در صورتی که یک گفتمان موفق شود با اتکا بر دال مرکزی خود مدلول‌های مدنظر خود را به دال‌های گفتمانش نزدیک کند، یا به عبارت دیگر، نظام معنایی مطلوب خویش را در ذهنیت جمعی اجتماع، هرچند به طور موقت، تثبیت کند و رضایت عمومی را جلب کند، آن گفتمان هژمونیک می‌شود (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۷). اما در صورتی که گفتمان رقیب بتواند به کمک ساز و کارهای مختلف این نظام معنایی را ساختار شکنی یا شالوده شکنی کند و ساختارهای معنایی شکل گرفته در ذهنیت جمعی مردم را در هم ریزد، آنگاه این گفتمان هژمونی‌اش را از دست می‌دهد. بنابراین موفقیت گروه‌های سیاسی به توانایی‌شان برای تولید معنا بستگی دارد. هژمونی و «ساختار شکنی» دو روی یک سکه‌اند. هژمونی باعث نزدیک شدن دالی به مدلولی خاص و ثبات نسبی معنای یک نشانه می‌شود؛ ساختار شکنی با انتساب مدلول و معنایی متفاوت به آن دال، مفهومی را که گفتمان رقیب به آن دال چسبانده بود دور می‌سازد، آن دال را باز تعریف می‌کند و هژمونی گفتمان مورد نظر را می‌شکند (همان: ۱۳۹۵).

در کل هدف از تحلیل آشکار کردن واقعیت عینی، برای مثال نشان دادن این که جامعه "حقیقتاً" از چه گروه‌هایی تشکیل شده نیست، بلکه هدف تحلیل کند و کاو در این است که واقعیت را چگونه می‌سازیم که این چنین عینی و طبیعی به نظر می‌رسد. لب کلام نظریه گفتمان لاکلا و موفه این است که "ما عینیت را از طریق تولید گفتمانی معنا می‌سازیم" (گمشاد، ۱۳۹۴: ۶۸-۶۷).

۴. روش مطالعه

این پژوهش به روش کیفی و با رویکرد تحلیل گفتمان (Discourse Analysis) که «شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن است» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۸) انجام شده است. تحلیل گفتمان که به «سخن‌کاوی»، «تحلیل کلام» و «تحلیل گفتار» ترجمه شده، یک گرایش مطالعاتی بین رشته‌ای است (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۲۳) که با کاربرد زبان در زمینه‌های اجتماعی به ویژه با تعاملات یا مکالمات میان گویندگان سر و کار دارد. مک میلن تحلیل گفتمان را اصطلاحی برای مطالعه قسمت اعظم زبان می‌داند که شامل تنوع رویکردها و دیدگاه‌های مختلف با روش‌های گوناگون برای بررسی زبان و کاربرد زبان در زمینه‌های اجتماعی است [۲۷، ص ۱]. نقطه کانونی تحلیل گفتمان برای بررسی متن نوشتاری یا گفتاری، فراتر رفتن از خود متن و پرداختن به بافت یا زمینه متن هم است. متن از یک سو براساس روابط درون متنی و از سوی دیگر با تکیه بر موقعیت متن و بافت‌های اجتماعی، سیاسی و تاریخی بررسی می‌شود (Macmillan, 2006: 10). داده‌های پژوهش سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های حسن روحانی، از زمان تصدی پست ریاست جمهوری، در خصوص جایگاه و مسائل مربوط به زنان در حوزه‌های مختلف بوده که از سایت رسمی ایشان و پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری انتخاب شدند.

به دلیل زیاد نبودن این سخنرانی‌ها، همه آنها مورد تحلیل قرار گرفت. از آنجا که در تحلیل گفتمان رعایت تصادفی بودن در نمونه‌گیری ضرورتی ندارد و نمونه‌گیری به صورت غیرتصادفی هدفمند صورت می‌گیرد. همین تعداد اندک نیز می‌توانند مبنای شناسایی و تحلیل چگونگی بازنمایی و تصویر زنان در گفتمان ایشان قرار گیرند. تجزیه و تحلیل یافته‌ها بر اساس روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه بوده که از «دال» الگوی آنها مفاهیم تحلیلی متعددی استخراج و بررسی شد. مراحل زیر در تحلیل داده‌ها مد نظر بوده اند.

در مرحله اول به خواندن و بازخوانی مکرر متون پرداخته شد تا محققین درک عمیقی از آنها به دست آورده و تا حدودی برآن اشراف پیدا کنند. در این مرحله واژه‌هایی که بیشتر در متون، تکرار و بر روی آنها تمرکز شده بود تعیین شد. در مرحله بعد، محققین دال مرکزی گفتمان را، که در واقع نشانه‌های دیگر در سایه آن نظم و انسجام معنایی پیدا کرده بودند، مشخص و به بررسی معنایی آن پرداختند. در مرحله سوم، دال‌های مهم دیگری که گفتمان روی آن متمرکز شده بود شناسایی شدند. نکته مهم در این بخش یافتن معناهایی است که این دال‌ها در گفتمان مورد نظر پیدا کرده، به خصوص این که همه آنها حول دال

مرکزی تعریف و تثبیت شده‌اند. نهایتاً، از طریق مفصل‌بندی گفتمان، بین عناصر مختلف رابطه برقرار شد و هویت عناصر در نتیجه مفصل‌بندی تعریف و تعدیل شد. در تحلیل گفتمان شناسایی فضای متخاصم گفتمان‌ها نیز ضروری است، زیرا گفتمان‌ها در این فضا هویت پیدا کرده و نظام معنایی خود را ایجاد می‌کنند. بدین منظور به فرایندهایی پرداخته شد که گفتمان مورد نظر از طریق آنها به طرد «دیگری» و تثبیت «خود» در فضای متخاصم می‌پردازد. در اینجا شناسایی قطبیت «ما» / «آنها» یا «خود» / «دیگری» و وجوه تمایز گذاری خود از آنها امری مهم است. بر این مبنا روندهایی مورد توجه قرار گرفت که از طریق آن این گفتمان خود یا ما را به نکات، اقدامات، و افکار مثبت و صحیح مرتبط کرده، و گفتمان دیگر را به اقدامات و کارهای منفی. این عمل از طریق «شناسایی واژه‌های نسبت داده شده به «ما» و «آنها»، «شناسایی غیرت‌سازی و دشمن‌سازی‌ها»، «شناسایی باز تعریف دال‌ها از طریق ساختار شکنی» و «شناسایی نحوه تثبیت معنا از طریق هژمونی» صورت گرفت.

۵. یافته‌ها

۱.۵ دال مرکزی برابری جنسیتی (Gender Neutrality)

در هر مفصل‌بندی دال‌های گوناگونی وجود دارد که از ارزش یکسانی برخوردار نیستند. بخش اصلی هر مفصل‌بندی دال مرکزی است. دال مرکزی با ثبات معنایی است که سایر دال‌ها حول آن جمع می‌شوند و نقطه ثقل و انسجام بخش همه دال‌ها ست. دال مرکزی گفتمان اعتدال طلب روحانی در خصوص زنان را می‌توان «برابری جنسیتی» نامید، که بقیه دال‌ها حول آن معنا یافته و مفصل‌بندی شده‌اند.^۱ برابری جنسیتی، یعنی جنسیت هیچ ارتباطی با تخصیص و اعمال حقوق و وظایف ندارد. به عبارتی حقوق و وظایف متعلق به کلیه انسان‌ها بدون در نظر گرفتن جنسیت است (صفری شالی، ۱۳۹۴).

«مگر می‌توان نیمی از جامعه را فراموش کرد و ۵۰ درصد از افراد جامعه را در حاشیه گذاشت، زنان باید دارای فرصت برابر، مصونیت برابر و حقوق اجتماعی برابر باشند» (همایش ملی زنان نقش‌آفرینان عرصه اقتصاد و فرهنگ، ۱۳۹۳) ؛

نه مرد را جنس اول می‌دانیم و نه زن را جنس دوم. زن و مرد را در برابر یکدیگر نمی‌بینیم، زنان در کنار مردان و هر دوی آنها عین هم و مانند هم دارای مقام و کرامت

انسانی هستند. نه زن برتر است و نه مرد بالاتر. نه این فرودست و نه آن فرادست است. نه این دون است و نه آن عالی است. هر دو من نفس واحده هستند (همان).

برابری جنسیتی در این گفتمان همه جانبه و در همه حوزه‌های زندگی مورد تأکید است. در نقش‌ها و موقعیت‌هایی نظیر نقش‌های خانوادگی و اجتماعی، تحصیل، اشتغال، سرگرمی؛ همچنین در نوع صفات و القاب کاربردی برای زنان و مردان. به نظر می‌رسد منبع این نابرابری‌ها و لذا انتقاد از آنها از دامنه مرزهای عرفی تا قانونی امتداد می‌یابد.

«قابل قبول نیست... خانم‌ها در علم و دانش دوشادوش مردها حضور داشته باشند، اما در عرصه اقتصاد و سیاست شاهد عدم تناسب باشیم»؛ یا «زنان مطابق قوانین ایران در اموری مانند ارث، طلاق... حقوق برابر با مردان ندارند و در عمل... در برخی مقام‌های عالی مدیریتی حضور نداشته‌اند» (سخنرانی ریاست جمهوری در همایش ملی زنان نقش‌آفرینان عرصه اقتصاد و فرهنگ ۱۳۹۳).

روحانی با احضار و الگو دانستن «حضرت فاطمه» و اتصاف ایشان به صفاتی نظیر شهامت، شجاعت، حق‌باوری، حق‌مداری (صفاتی که در تقسیم‌بندی‌های تلویحی جنسیتی، بیشتر مردانه به نظر می‌رسند تا زنانه) تمایز گذاری شدید روحی روانی بین زنان - مردان و تبعیض مبتنی بر آن را مورد بازخوانی و انتقاد قرار می‌دهد.

«فاطمه... الگویی برای همه انسان‌هاست. فاطمه یعنی شهامت، شجاعت، حق‌باوری، حق‌مداری...» (همان).

البته وی برای جدایی ایده برابری جنسیتی از تفکرات جنسیتی افراطی و تفریطی، مرزهای تمایز با آن‌ها را ترسیم می‌کند. روحانی برای تمایز یابی و ایجاد مرزبندی بین «ما» و «آنها»، یعنی نگرش فمینیستی مروج آزادی و برابری افراطی، و نگرش متحجرانه هواخواه تفکیک جنسیتی فراگیر، می‌گوید:

«ما تفکرات فمینیستی را قبول نداریم، اما تحجر را هم نمی‌پذیریم» (سخنان رییس جمهوری همایش زنان، اعتدال و توسعه ۱۳۹۴).

۲.۵ هم‌ارزی فضای عمومی و خصوصی

یکی از دال‌های سیالی که گفتمان‌های متفاوت داخلی تلاش می‌کنند به روش خاص خود آن را "معنا" کنند؛ جایگاه زن در فضاها، عمومی یا خصوصی جامعه است. ترسیم تقابلی

این دو فضا از پرمناقشه‌ترین حوزه‌ها در دو گفتمان لیبرال و بنیادگرا، همچنین گفتمان‌های اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در جمهوری اسلامی است. می‌توان گفت گفتمان اصول‌گرا «فضای خصوصی و خانواده» و گفتمان اصلاح‌طلب «فضای عمومی و جامعه مدنی» را برای زنان برجسته‌تر می‌کند. گفتمان روحانی با برجسته و هم‌ارز دانستن «فضای عمومی و خصوصی» آنها را در تقابل با هم نمی‌بیند؛ هرچند وضعیت کنونی حضور زنان در فضاهای عمومی را به نقد کشیده و آن را برای حضور زنان کافی نمی‌داند. به عبارتی ضمن سعی در برقراری تعادل بین این دو عرصه، تلویحاً نوعی اولویت ضمنی برای حضور فراگیر زنان در «فضای عمومی» قائل است. برای مثال، همان‌گونه که نقش مادری در نظر وی مهم بوده نقش‌های حرفه‌ای غیر مرسوم (مانند مهندسی)^۲ برای زنان نیز برجسته تلقی می‌شوند.

«آیا وظیفه فقط مادری است...؟ درست است که هیچ رسالتی بالاتر از تربیت فرزندان و انسان‌ها وجود ندارد؛ اما آیا تربیت فرزند، ... با حضور در جامعه و رسالت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تضاد دارد؟» (همایش ملی زنان نقش‌آفرینان عرصه اقتصاد و فرهنگ ۱۳۹۳).

روحانی با بیان اینکه «نمی‌دانم عده‌ای بر چه مبنایی می‌گویند زن باید برای همیشه محصور در خانه بماند» (سخنان رییس جمهوری همایش زنان، اعتدال و توسعه ۱۳۹۴)، به ساختارشکنی از گفتمان رقیب (اصول‌گرایی) که نقش‌های خانوادگی را نقش اصلی زنان می‌داند، می‌پردازد. وی همچنین، حضور مؤثر زنان در نقش‌های جدید را در کنار نقش‌های معمول و مرسوم آنها قرار داده می‌گوید:

"در کدام دانشگاه و دبستان و دبیرستان است که حضور فرهیخته زنان تعلیم‌گر و آموزگار و مدرس دانشگاه را نبینید و مشاهده نکنید؟ در کدام کارخانه، صحنه کار، مخصوصاً در شرایط پیشرفت علمی و تکنولوژیکی حضور ندارند». (سخنان رییس جمهوری همایش زنان، اعتدال و توسعه ۱۳۹۴).

ایشان با بازتعریف نقش زنان با استفاده از سخنان امام (ره) به عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی، همچنین اتکای به منابع دینی و قرآنی، سعی در تثبیت و ایجاد هژمونی این عنصر در گفتمان خود و ساختارشکنی و غیریت‌سازی از گفتمان رقیب دارد، به این معنا که دیدگاه وی در مورد نقش زنان، ادامه و در راستای دیدگاه امام و اسلام است، در حالی که گفتمان رقیب اعتقادی به تعالی زنان نداشته و حتی از آن می‌ترسد و این اعتقاد را به پای دین اسلام می‌گذارد.

«ما راه و مسیر آن امام را طی می‌کنیم» «آنهايي که از حضور زن و تعالی زن می‌ترسند و چنین ایده و اعتقادی دارند لطفاً این اعتقاد غلط را پای اسلام، دین و قرآن ننویسند» (همان).

در اکثر سخنرانی‌های وی نقش‌های مرسوم و خانوادگی زنان به تنهایی مورد تأکید قرار نگرفته، بلکه در کنار اهمیت این نقش‌ها، نقش‌های اجتماعی نیز مطرح و حتی به صورتی برجسته‌تر ترسیم شده‌اند. حتی به نظر می‌رسد در تقابل با گفتمان اصول‌گرا که ورود زنان به عرصه عمومی را به بهانه «ناامنی» آنان یا محدود می‌کند؛ روحانی در مقابل معتقد است باید فضای عمومی جامعه «ایمن» شود نه اینکه از حضور زنان در این فضا ممانعت شود. «آیا تنها خانه مأمّن زنان است؟ ما این امنیت را باید به اداره و جامعه و خیابان و همه جای کشور گسترش دهیم» (سخنرانی ریاست جمهوری در همایش ملی زنان نقش‌آفرینان عرصه اقتصاد و فرهنگ، ۱۳۹۳).

۳.۵ عفاف محوری

در سال‌های اخیر با گسترش فرهنگ غربی یکی از مهمترین دال‌های شناور در جوامع اسلامی که موجب "تخاصم و جدال" بین گفتمانی شده، به "بدن زنان" و میزان و نحوه پوشش و شیوه‌های مراقبت از آن مربوط می‌شود. بدن می‌تواند موضوعی "خصوصی" تلقی شود و بهره‌برداری از آن در مجامع عمومی ممنوع شود؛ یا اینکه به عنوان زینت به حساب آید و صاحب آن اجازه دارد آن را به عنوان یک کالای ارزشمند ارائه دهد (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۵: ۱۰۹). بعضی پوشش کامل و ظاهری، به ویژه پوشش زنان را در مرتبه اول اهمیت دانسته و بر آن تأکید می‌کنند؛ بعضی در مقابل، خودمراقبتی درون و عفت فراجنسیتی را مبنای ارزیابی افراد می‌دانند. از این نظر، گفتمان روحانی، برخلاف گفتمان رقیب اصول‌گرا که بر حجاب^۳ و پوشش ظاهری تأکید دارد، تمرکز خود را بر روی «عفاف» می‌گذارد. حجاب، حداقل، در گفتمان اصول‌گرا، در درجه اول بر پوشش و وضعیت ظاهر؛ بعد، بر تفکیک جنسیتی در مناسک‌ها و مناسبت‌های جمعی مانند گردهم‌آیی‌ها، حتی، کلاس‌های درس ... متمرکز است. روحانی با تأکید بر «عفاف» که ماهیتی «درونی» دارد نه «بیرونی»؛ و با «امنیتی و پلیسی» نامیدن نگاه‌های مخالف حضور زنان، با بیان اینکه این اعمال مخالف شادی بوده و با شعارهای اولیه انقلاب همخوانی ندارد، به ساختارشکنی از گفتمان رقیب می‌پردازد. در واقع «آنهايي» که این نوع نگاه را

دارند، از اصول اولیه انقلاب منحرف شده‌اند و قرائت‌های خاص خود را از اسلام و قانون اساسی دارند:

یک عده‌ای فکر می‌کنند اگر جوانان با هم کوه بروند، در یک مراسم شادی شرکت کنند، یا در خیابان با هم قدم بزنند، عفت جامعه خدشه‌دار می‌شود. واقعیت این است که عفت را چیزهای مهم‌تری تهدید می‌کند. برخی از برخوردها هم ناشی از نگاه پلیسی و امنیتی به جامعه است، نگاهی که همه چیز را سیاسی می‌بیند (پایگاه تحلیل خبری مستقل ایران بهار ۱۳۹۲).

«عفاف» در گفتمان روحانی حوزه وسیع‌تری را در بر گرفته و تنها شامل پوشش نمی‌شود. در این گفتمان، زنان بدون حجاب ولی عفیف هم به رسمیت شناخته می‌شوند و نباید دچار خشونت و محدودیت‌های فراقانونی و اغلب سیاسی شوند. البته عفاف را هم مسائلی فراتر از پوشش و حجاب، نظیر ناتوانی در ازدواج، تهدید می‌کند. وی با این بیان که «حجاب مطابق استانداردهایی که عده‌ای دوست دارند»، به ساختارشکنی از گفتمان رقیب پرداخته؛ حجاب ظاهری را تنها ملاک یا ملاک برتر ارزیابی زنان نمی‌داند. در این راستا برای هژمونیک کردن مفهوم «عفاف»، دایره منکرات گسترش یافته، از محدوده یک جنس تنها فراتر رفته و ماهیتی فراجنسیتی پیدا می‌کند.

عفیف بودن چیزی فراتر از حجاب داشتن است... حجاب را عین عفاف ندانیم... می‌توان کسانی را هم یافت که ظاهر مطابق قانون دارند و حجاب دارند (چه مرد و چه زن) ولی اصول عفت را رعایت نمی‌کنند... حجاب مطابق استانداردهایی که عده‌ای دوست دارند و تعریف کرده‌اند (پایگاه خبری تحلیلی مستقل ایران بهار ۱۳۹۲).

مبادا از صبح تا شب فقط یک مسأله و آن هم بدحجابی به عنوان منکر مطلق تلقی گردد» (سخنان رییس جمهوری در اجتماع بزرگ مردم زنجان ۱۳۹۳).

۴.۵ نقش‌های اجتماعی فراستی

استحقاق زنان در انتساب یا اکتساب نقش‌های خاص تا حد زیادی به تعریف ماهیت زنان بستگی دارد که خود متأثر از دو نوع نگاه "ذات‌گرایانه (Essentialist)" یا "نام‌گرایانه (Nominalist)" است. در نگاه ذات‌گرایانه، زنان دارای قابلیت‌ها و توانمندی‌های ذاتی هستند که آنها را مستعد ایفای نقش‌های خاصی مانند مادری، همسری،

معلمی و پرستاری کرده است. در مقابل نام‌گرایان، تفاوت چندانی بین زنان و مردان جهت ایفای نقش‌های اجتماعی نمی‌بینند. بنابراین دال شناور و مهم دیگر به "نقش"های اجتماعی مناسب زنان در جامعه بر می‌گردد. زنان همیشه نقش‌های خارج از خانه داشته‌اند، اما آنها نیز حول نقش‌های سنتی سازمان می‌یافته‌اند. به این معنا که زنان مشاغلی را در اجتماع عهده‌دار می‌شدند که با تفکر سنتی و نقش‌های خانوادگی آنها هم‌خوان بوده و یا تشابه بیشتری با نقش «زنانگی» و مراقبتی زنان در محیط امن خانه داشته است، نظیر نقش معلمی و پرستاری. اما در گفتمان روحانی تاکید بر ایفای «نقش‌های فراستی» زنان در حوزه عمومی است که تفاوت‌هایی با نقش‌های اجتماعی مورد تأکید برای زنان در گفتمان اصول‌گرا دارد. روحانی ماهیت «دنیای کار و تولید» را به قصد حمایت از زنان بازتعریف کرده و حوزه آن را گسترش می‌دهد، تا جایی که برابری جنسیتی به همه مشاغل تسری یافته، زنان می‌توانند همانند مردان هر شغلی را احراز نمایند. بعلاوه، «حقوق و امتیازات» نقش‌ها هم باید برابر و فرا جنسیتی باشد. تاکید بر مفاهیمی مانند «دختران مهندس»، حاوی معنای ضمنی ارتقای دایره اشتغال زنان از مشاغل خدماتی به مشاغل تولیدی و مدیریتی است. وی با عبارت «برخی می‌گویند تنها برای جوانان پسر شغل درست کنیم»، به ساختار شکنی از گفتمان رقیب اصول‌گرا می‌پردازد و فراهم کردن امکانات شغلی برای هر دو جنس را مطرح می‌کند. بدین ترتیب رفع نابرابری و تفکیک جنسیتی به دو صورت افقی و عمودی مطرح است. از یک سو به رسمیت شناختن مشاغل مدیریتی برای زنان؛ از سوی دیگر، فراهم کردن فرصت اشتغال در حوزه‌های جدید و غیر خدماتی مد نظر است. به نظر می‌رسد بر خلاف گفتمان اصول‌گرایی که بر هویت جنسیتی متمایز و هویت دینی زنان؛ همچنین، گفتمان اصلاح‌طلبی که بر نقش و هویت سیاسی و حقوقی زنان تاکید داشت، گفتمان روحانی بیشتر در عرصه‌های اجتماعی، به ویژه، اقتصادی برجستگی دارد. تاکید بر عبارت‌هایی نظیر «مشاغل مدیریتی برای زنان»، «بیکاری زنان»، «تامین اجتماعی برای زنان» می‌تواند شاهی بر این مدعا باشد.

«زنان و مردان... باید از امتیاز و حقوق برابر برخوردار باشند» (سخنرانی ریاست جمهوری در بیست و پنجمین جشنواره ملی امتنان از کارگران، ۱۳۹۳). «شما فکر می‌کنید دختران مهندس از لحاظ توانمندی علمی از پسران مهندس کمتراند؟...». «امروز زنان باید دارای منزلت برابر با مردان باشند پس ارتقای مشارکت زنان در عرصه‌های مدیریتی باید

یک اصل باشد". جبران تفاوت فاحش بین نرخ بیکاری زنان و مردان در دولت تدبیر و امید مورد توجه خواهد بود» (همان).

۵.۵ بازخوانی اسلامی - انقلابی جنسیت

روحانی برای تثبیت و هژمونیک کردن دال «برابری جنسیتی» و دیگر دال‌های شناور، و البته گریز از اتهام «غرب‌گرا بودن» یا «اسلامی - انقلابی نبودن»، از بازمعنایی مجدد اصول انقلاب و جمهوری اسلامی، منابع (Resources) دینی (قرآن)، قانونی، و الگوهای برجسته دینی همجنس زنان (حضرت فاطمه زهرا س) و ناهمجنس (حضرت علی ع) و رهبران گذشته و کنونی جمهوری اسلامی استفاده می‌کند. در اینجا ارتقای جایگاه زنان به همان اندازه که مبنای اعتقادی و دینی دارد، مبنای اجتماعی و سیاسی نیز پیدا می‌کند. حتی مخالفت و بی‌توجهی بعضی گفتمان‌ها به حقوق و مطالبات زنان را مخالف «منطق اسلام» می‌داند.

از نگاه «نظام جمهوری اسلامی و از نگاه منطق اسلام زن و مرد در رسالت‌های اجتماعی و نقش آفرینی‌ها برابرند..... اگر در جامعه امروز می‌بینیم که به مطالبات زنان توجه نمی‌شود این با منطق انقلاب سازگار نیست» سخنرانی ریاست جمهوری در جشن میلاد حضرت فاطمه (۱۳۹۲).

امام فرموده اگر زن برتر نباشد از مرد کمتر نیست... این بیان انقلاب است که زن و مرد نقش برابر در مسایل اجتماعی و سیاسی جامعه دارند. رهبر معظم انقلاب هم فرموده‌اند که زن مسلمان باید در ... همه فعالیت‌های اجتماعی الگویی از زندگی حضرت فاطمه (س) بردارد.

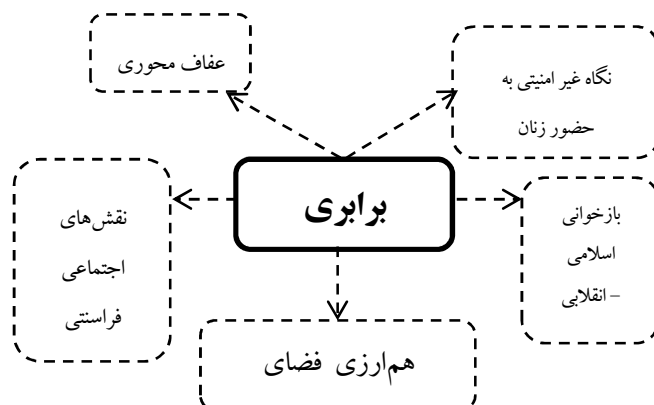
در متن فوق بر حضور زنان در «فعالیت‌های اجتماعی» و «درگیری در مسائل سیاسی و اجتماعی» تأکید شده؛ برعکس، به ندرت از نقش‌های خانوادگی و مادری و اولیت آنها برای زنان صحبت شده است. به نظر می‌رسد چنین تمهیدی، برای برجسته کردن نقش‌های حرفه‌ای زنان اتخاذ شده است.

۶.۵ نگاه غیر امنیتی به حضور زنان

یکی از مهمترین توجیهاتی که جهت دور نگه داشتن زنان از عرصه‌های عمومی ارائه می‌شود، توجیهات «امنیتی» است. بنابراین عنصر امنیت و عوامل ایجاد کننده یا تهدیدکننده

آن یکی از مهمترین دال‌های شناور در گفتمان‌های مربوط به زنان است. گفتمان‌های افراطی حضور زنان در فضاهای عمومی را یا مهمترین تهدید امنیتی برای خود زنان و خانواده‌شان دانسته یا آن را اسباب گناه و وسوسه‌های شیطانی مردان و اجتماع^۵ می‌دانند. در گفتمان روحانی، حضور زنان در فضاهای عمومی امنیتی ترسیم نشده است. به نظر می‌رسد این دال تنها در تقابل با گفتمان اصول‌گرایی مطرح شده است، زیرا گفتمان اصلاح‌طلب به نوعی حضور پررنگ زنان در جامعه را ترویج و تقویت می‌کند. وی هر گونه "خشونت" با زنان با هر نام و بهانه‌ای را ناپسند دانسته، آن را نوعی "تبعیض و افراط و افراطی‌گری" تلقی می‌کند. «خشونت» در اینجا می‌تواند به اقداماتی نظیر طرح امنیت اجتماعی و گشت ارشاد که با هدف و شعار ایجاد امنیت اخلاقی اجرا می‌شود، اشاره داشته باشد. حتی زنان را به عنوان "پاسداران" اصلی عفت عمومی، به حضور در عرصه عمومی و پاسبانی از "عفت عمومی جامعه" دعوت می‌نماید. روحانی بدین طریق، علاوه بر غیریت‌سازی از گفتمان رقیب اصول‌گرایی، مرز بین «ما» و «آنها» را ترسیم می‌کند. زیرا «آنها» حضور زن را تهدید محسوب می‌کنند، در حالی که برای «ما» زن حافظ عفت عمومی جامعه است.

«با خشونت و تکبر با زنان عزیز جامعه ما برخورد نکنید. ما نه فرهنگ خشونت و نه خشونت فرهنگی...، نه فرهنگ افراط و نه افراطی‌گری فرهنگی را برای جامعه‌مان و بویژه برای زنانمان نخواهیم پذیرفت» (همان). «چرا عده‌ای حضور زن را تهدید احساس می‌کنند، زن چه تهدیدی است ... زنان خود پاسدار عفت جامعه هستند» (همان).



نمودار ۱. دال مرکزی و زنجیره مفاهیم و دالهای مهم هم‌ارزی مفصل بندی شده حول آن

۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش به تحلیل گفتمان سخنرانی‌های رئیس جمهور دولت یازدهم، حسن روحانی، در خصوص زنان پرداخته شد. همانطور که در مقدمه آمد، دو گفتمان اصلی در حوزه سیاست ایران، گفتمان اصول‌گرا و گفتمان اصلاح‌طلب هستند که هر کدام خوانش خاص خود را نسبت به نقش، هویت و مسائل زنان دارند. در مقابل دو گفتمان بالا، دولت یازدهم با طرح شعار و گفتمان جدید "اعتدال" در آخرین انتخابات ریاست جمهوری پیروز صحنه رقابت شد. بدون شک یکی از "دال‌های محوری در گفتمان اعتدال به عنصر "جنسیت و زنان" و چگونگی مفصل‌بندی آن‌ها مربوط است. هدف پژوهش حاضر تحلیل گفتمان این رویکرد و شناسایی تفاوت آن با دو گفتمان مسلط دیگر، به ویژه گفتمان عدالت‌گرایی، در تعریف هویت و مسائل مربوط به زنان بود. ابتدا همه سخنرانی‌های روحانی با استفاده از رویکرد لاکلا و موفه مورد کاوش قرار گرفت؛ سپس، دال مرکزی و دال‌های شناور در این گفتمان شناسایی و فرایندهای ایجاد هژمونی و متقابلاً ساختارشکنی و غیریت‌سازی تحلیل و ارائه شد.

تجزیه و تحلیل سخنرانی‌های مورد نظر نشان داد دال مرکزی گفتمان دولت یازدهم برای تعریف و بازنمایی هویت زنان «برابری جنسیتی» بوده که برای تثبیت معنای خود از عناصر و دیگر دال‌های «عفاف محوری»، «هم‌ارزی فضای عمومی و خصوصی»، «نقش‌های اجتماعی فراستی»، «بازخوانی اسلامی - انقلابی از جنسیت» و «نگاه غیر امنیتی به حضور زنان» در مفصل‌بندی گفتمانی‌اش بهره گرفته است. به نظر می‌رسد روحانی با بازخوانی و بهره گرفتن از هر دوی منابع و متون اسلامی و مدرن (قانون) برابری زنان را به عرصه و قلمرویی خاص محدود ندانسته و توانایی و کنشگری زنان و مردان را در همه قلمروها و حوزه‌ها "برابر" می‌داند. با در نظر گرفتن سه دال کلیدی^۶ در نحوه تحلیل گفتمان در رویکرد لاکلا و موفه می‌توان گفت گره‌گاه (Nodal Point) و دال محوری که سازمان دهنده گفتمان روحانی است، "برابری جنسیتی" است، اما در حول این دال مرکزی، دال‌های اصلی دیگری مفصل‌بندی شده‌اند که مهمتر از همه بازخوانی هویتی "زنان" بر اساس منابع و متون اسلامی - انقلابی و مدرن است. هویتی که بر اساس آن حضور زنان به بهانه‌هایی مانند "امنیتی دیدن حضور زنان" یا عدم رعایت "حجاب" به فضای خصوصی خانواده یا ایفای نقش‌های سنتی محدود نشده؛ بلکه آنها می‌توانند با خودمراقبتی (عفاف) و ایفای نقش‌های فراستی و حضور پررنگ در قلمروهای عمومی جامعه زمینه توانمندی و توسعه

خود، دیگران و جامعه را فراهم آورند. روحانی معتقد است چیزی که عفاف را تهدید می‌کند، نه ظاهر و بی‌حجابی، بلکه فقر اقتصادی و عدم توانایی برای ازدواج است. بنابراین عفاف فراتر و متفاوت با پوشش ظاهری تعریف می‌شود؛ و هر گونه اعمال قهری و خشونت، به نام حجاب و امنیت، خلاف آموزه‌های دین، انقلاب، قانون؛ بیان و رفتار شخصیت‌های برجسته سیاسی و مذهبی تلقی می‌گردد.

روحانی ضمن تأکید بر عدم تأثیر جنس/جنسیت بر تحصیلات، انتخاب رشته و آموزش دانشگاهی و رضایت نسبی از وضعیت برابری تحصیلی زنان و مردان؛ نابرابری جنسیتی در زمینه اشتغال و سایر قلمروهای اجتماعی را مورد انتقاد قرار داده و بر رفع موانع ساختگی و اجتماعی برای حضور فراگیر زنان در بخش‌های مختلف خدماتی و تولیدی (حذف نابرابری‌های جنسیتی افقی)؛ و سلسله مراتب مدیریتی امور جامعه (حذف نابرابری‌های جنسیتی عمودی) تأکید دارد. در این گفتمان زنان و قضیه "حجاب" آنان به عنوان "المسائل" ارزیابی نمی‌شود، دایره منکرات بُعدی فراجنسی/فرابدنی می‌یابد. زیرا مردان به همان اندازه زنان می‌توانند درگیر مسأله حجاب و "عفاف" شوند، بعلاوه، همه مسائل به مسائل مرتبط با پوشش و مدیریت "بدن" فروکاسته نمی‌شود بلکه همه مسائل اقتصادی، فرهنگی، و سیاسی می‌توانند جزء مسائل مهم جامعه و از جمله زنان تلقی شوند. بنابراین زنان در مقام "متهم" استیضاح نشده (به زبان آلتوسری)، بلکه از پیامدهای منفی اتهامات، "نام‌گذاری"ها و بهانه‌جویی‌هایی که به نام "اسلام، امنیت و مبارزه با فساد" بر زنان روا داشته شده و موجب الصاق "داغ" و "انگ" هویتی بر آنان می‌شود، سخن به میان می‌آید. یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش صفری شالی و تحقیق صادقی فسایی و دیگران قابل مقایسه است. نتایج پژوهش صفری شالی (۱۳۹۴) حاکی از آن بود که در گفتمان اصلاحات مقوله زنان و عدالت جنسیتی به صورت پررنگ‌تری مطرح شد. حتی در برنامه چهارم توسعه "بی‌تفاوتی جنسیتی" برنامه سوم به سمت حساسیت جنسیتی و سیاست تبعیضی مثبت حرکت کرده است این در حالی است که در برنامه پنجم توسعه و در گفتمان اصولگرایی عدالت محور، با تأکید بر نهاد خانواده و نقش مهم و اثرگذار زنان در خانواده، برای زن عمدتاً جایگاه همسری و مادری و حضور زنان در خانواده مورد تأکید بوده است. تحقیق صادقی فسایی و دیگران (۱۳۹۵) نیز نشان داد که گفتمان دوره اصلاحات سعی در مشارکت اجتماعی زنان داشته؛ اما گفتمان اصولگرا، از یک سو خواهان

مشارکت اجتماعی زنان را در حضور توده‌وار اجتماعی تأویل می‌کند و از سوی دیگر با اتخاذ رویکردی مرتجع، مکرراً وظایفی مانند مادری و همسری زنان را بازتولید می‌نماید. در کل می‌توان گفت رسالت گفتمان اعتدال‌گرا بر ایجاد توازن میان زندگی خانوادگی و اجتماعی زنان است؛ به نحوی که آنان ناچار به انتخاب نباشند، بلکه شرایط به نحوی باشد که هر دو فعالیت در کنار هم امکان‌پذیر باشد. با این وجود این گفتمان بیشتر رنگ و بوی "اجتماعی و اقتصادی" دارد تا سیاسی (اصلاح طلبی) یا فرهنگی (عدالت‌گرایی)؛ اما دال‌های مرکزی و مهم در این گفتمان از جمله حضور گسترده زنان در فضای عمومی، برابری فراگیر، امنیتی ندیدن حضور زنان در عرصه عمومی، با گفتمان اصلاح‌طلبی قرابت و سنخیت بیشتری دارد تا گفتمان اصول‌گرایی.

پی‌نوشت‌ها

۱. ناگفته نماند در ایران نابرابری جنسیتی در همه حوزه‌ها از جمله در زمینه اشتغال و بیکاری (صادقی فسایی، سهیلا؛ خادمی، عاطفه و نجفی، طیه (۱۳۹۵)؛ جداسازی در بازار کار (افقی و عمودی)
۲. بر اساس تحقیقات بیشترین تعداد زنان در مشاغل معلمی و پرستاری و پست‌های غیرمدیریتی مشغول به کار هستند. به عبارتی نوعی جدایی‌سازی و نابرابری جنسیتی برجسته افقی و عمودی اشتغال در ایران وجود دارد (صادقی فسایی، خادمی و نجفی، ۱۳۹۵).
۳. حجاب یعنی پرده، ستر (فرهنگ فارسی معین، ۱۳۸۸).
۴. عفاف یعنی پارسایی، پرهیزگاری، پاکدامنی (همان).
۵. تا حد زیادی بر اساس تز خود متهم کردن قربانی، می‌توان این وضعیت را توجیه نمود و اینکه همیشه باید رعایت حجب، حیا و شرم از سوی زنان باشد.
۶. این سه دال کلیدی گره گاهها، دال‌های اصلی (سازمان دهنده هویت) و افسانه‌ها (فضای اجتماعی) هستند که در پیوند با هم جهت دهنده تحلیل‌ها هستند (یورگنسن و فلیپس، ۹۴).

کتاب‌نامه

- ایمانی، آوا، کسایی، غلامرضا و اسلامی راسخ، عباس (۱۳۹۴) زن در ضرب المثل های فارسی: رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، دو فصلنامه پژوهش‌نامه زنان، سال ششم، شماره ۳، صص ۲۵-۴۴.
- باستانی، سوسن، امیدپور، زهره و رجبلو، علی (۱۳۹۲) تحلیل خرده گفتمان های زنان در دوره مشروطیت، جامعه شناسی تاریخی، سال پنجم بهار و تابستان ۱۳۹۲، شماره ۱، صص ۱۰۸-۷۳.
- بخشایش اردستانی، احمد (۱۳۷۹) اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات آوای نور.
- بهرام پرور، شعبانعلی (۱۳۷۹) درآمدی بر تحلیل گفتمان، مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمان، به اهتمام محمدرضا تاجیک، تهران، انتشارات فرهنگستان.
- تقی کرمی قهی، محمد (۱۳۹۱) تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده، برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۱، صص ۴۱-۷۵.
- حسینی زاده، محمدعلی (۱۳۸۳) نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی فصلنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۲۱۲-۱۱۸.
- ربانی خوراسگانی، علی و میرزایی، محمد (۱۳۹۴) تحلیل تقابل گفتمانی اصول گرایی و اصلاح طلبی در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، شماره ۶۰، صص ۴۵-۶۸.
- رجب زاده، احمد (۱۳۸۱) مقایسه فعالیت فرهنگی زنان و مردان در ایران، نامه پژوهش فرهنگی، سال هفتم، دوره جدید، شماره ۳، پاییز، صص: ۳۷-۵۴.
- زاهد زاهدانی، سید سعید و دشتی، عبدالله (۱۳۸۵). گرایش دانشجویان به حجاب: مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه شیراز، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ویژه نامه تغییرات و توسعه اجتماعی در جنوب، دوره اول، شماره ۱، بهار، صص ۱۰۱-۱۲۴.
- زنجانی زاده، هما (۱۳۸۲) بررسی وضعیت زنان و امنیت شهری و عوامل تأثیر گذار بر کاهش امنیت زنان، ساختار مردانه امنیت شهری، فرهنگ و پژوهش، شماره مسلسل ۱۲۷، آذر، صص: ۱۰-۱۳.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۷) قدرت، گفتمان، زبان، چاپ دوم، تهران، نشر نی.
- شادی طلب، شادی (۱۳۸۱) توسعه و چالش های زنان ایران، تهران، نشر قطره.
- صادقی فسایی، سهیلا و کلهر، سمیرا (۱۳۸۶) ابعاد شکاف جنسیتی و میزان تحقق کاهش آن در برنامه ی سوم توسعه، پژوهش زنان، دوره ی ۵، شماره ی ۲، پاییز، صص: ۵-۲۸.
- صادقی فسایی، سهیلا؛ خادمی، عاطفه و نجفی، طیبه (۱۳۹۵). تحلیل گفتمان سه دوره اجرایی جمهوری اسلامی ایران در زمینه وضعیت اجتماعی زنان، دو فصلنامه علمی - پژوهشی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان، صص ۱۷۵-۲۰۱.

تحلیل بازنمایی زن در گفتمان اعتدال: تحلیل گفتمانی سخنرانی‌های ... ۷۵

صفری شالی، رضا (۱۳۹۴) تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در لوایح و برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات جامعه شناختی، دوره ۲۲، شماره ۲، ۲۱۱-۲۳۷.

عبداللهی، محمد (۱۳۸۳) زنان و نهادهای مدنی، مسائل، موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان، مجله جامعه شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲، تابستان، صص: ۶۳-۹۹.

فرقانی، محمد مهدی و عبدی، سید عیسی (۱۳۹۵). "بازنمایی زن در جوک‌های جنسیتی؛ تحلیل گفتمان انتقادی جوک های جنسیتی در مورد زنان در شبکه‌های موبایلی، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، سال هفدهم، شماره سی و دوم، صص ۳۱-۵۲.

فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹) *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.

گمشاد، مریم (۱۳۹۴). شکل گیری گفتمان اعتدال، اصلاحات، عقلانیت در عرصه‌ی سیاسی ایران، کنفرانس بین المللی علوم انسانی، روانشناسی و علم اجتماعی، ۲۷ آبان ۹۴، تهران، مرکز همایش های بین المللی صدا و سیما.

مارش، دیوید و جری استوکر (۱۳۷۸) *نظریه و روش رعلوم سیاسی*، امیر محمد حاج یوسفی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مک دائل، دایان (۱۳۸۰) *نظریه‌های گفتمان*، ترجمه حسین نوذری، تهران، فرهنگ گفتمان.

مهدی زاده، سید محمد (۱۳۸۹). *نظریه‌های رسانه، اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*. تهران: همشهری.

ناهدید، عبدالحسین (۱۳۳۸) *زنان ایران در جنبش مشروطه*، آلمان، نوید.

یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹) *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، هادی جلیلی، تران، نشر نی.

[25] Afshari, Zahra & sheibani, Iman (2006) "Women's participation in the Industrial sector of Iran: Evaluating the Scopes for Creating Jobs for Women", *Women's Studies*, Vol.3, No.3, winter, Pp: 71-96.

[26] Laclau, E. (۱۹۹۴). *The Making of Political Identities*. London: Verso
a Radical Democratic Politics. London: Verso

[27] Macmillan, Katie. 2006. "Discourse Analysis—A Primer": Online: <http://www.ischool.utexas.edu/~palmquis/courses/discourse.html>

[28] Wodak Ruth & Meyer Michael (2001) *Methods of critical Discourse Analysis*. London: SAGE.

سخنرانی‌های مورد تحلیل

سخنرانی ریاست جمهوری در همایش ملی زنان نقش آفرینان عرصه اقتصاد و فرهنگ ۱۳۹۳، پایگاه

اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری <http://www.president.ir/fa/۷۶۷۶۶>

دیدار ریاست جمهوری با جمعی از زنان فعال سیاسی و مذهبی ۱۳۹۱، وب‌سایت حسن روحانی،

http://www.rouhani.ir/event.php?event_id=16

سخنرانی ریاست جمهوری در جشن میلاد حضرت فاطمه ۱۳۹۲، وب‌سایت حسن روحانی،

http://www.rouhani.ir/event.php?event_id=40

سخنرانی ریاست جمهوری در بیست و پنجمین جشنواره ملی امتنان از کارگران ۱۳۹۳، وب‌سایت حسن

روحانی http://www.rouhani.ir/event.php?event_id=419

سخنان رئیس جمهور در جمع مردم شهرستانهای غرب استان تهران و در شهرستان اسلامشهر ۱۳۹۴،

خبرگزاری پانا <http://www.pana.ir/Pages/Printable-News.aspx?۳۸۱۴۶۹>

سخنان رییس جمهوری در اجتماع بزرگ مردم زنجان ۱۳۹۳، پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست

جمهوری <http://www.president.ir/fa/82047>

سخنان رییس جمهوری همایش زنان، اعتدال و توسعه ۱۳۹۴، پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری

<http://www.president.ir/fa/76766>

حسن روحانی: حجاب را عین عفاف ندانیم، کد مطلب: ۱۳۲۱۲ پایگاه خبری تحلیلی مستقل ایران

بهار ۱۳۹۲

<http://www.baharnews.ir/news/13212/>